پیشینه واژه‌های افغان و افغانستان
=========================

دنیای ذهنی/احساسات: ادعاها، تخیلات و جعلیات (تاریخ سازی‌ها)؛
دنیای عینی/عقلانیت: اسناد، شواهد و مدارک (واقعیت‌ها)!

یکی از پیامدهای بسیار خطرناک تاریخ‌سازی جعلی برای یک «قوم» این است که آبرو و عزت آن قوم گروگان و افتخارات جعلی آن «حیثیتی» می‌شود، طوری که دیگر، هرگونه سوال، سند و مدرک برخلاف آن، «ضدیت قومی» یا «توطیه/دسیسه بر ضد آن قوم» پنداشته می‌شود!

وقتی روی «چگونگی ایجاد کشوری بنام افغانستان» صحبت می کنیم، باید بدانیم:
(تاریخ «کشور»ها، «قوم»ها و «سرزمین»ها از هم تفاوت دارند)!

* آغاز تاریخ – ۱۸۰۰ (دوران امپراتوری‌ها و ملوک‌الطوایفی‌ها)؛

* ۱۸۰۰ – ۱۹۰۰ (سقوط امپراتوری‌ها، ورود استعمار، بازی بزرگ، مرزبندی افغانستان کنونی)؛

* ۱۹۰۰ – تا کنون (ورود اندیشه‌های پان-افغانیزم/محمود طرزی، اعلان استقلال، دولت-ملت سازی بربنیاد یک قوم: پشتو/پشتون/افغان‌سازی، ورود اندیشه‌های چپی/راستی و...).

کرونولوژی حوادث/نام‌ها براساس منابع تاریخی، نقشه‌ها و معاهدات

حدود العالم (۹۸۲)	واژه **افغان** (در بین گردیز و ننگنهار)
هند البیرونی (۱۰۳۰)	قبایل وحشی از نژاد هندو، کوههای سلیمان
تاریخنامه هرات سیف هروی (۱۳۲۱)	واژه **افغانستان اصلی** (گستره کوههای سلیمان)
فرمان منکوخان: ولایات فاریاب، غور، غرجستان، فراه، قندهار، کابل و افغانستان (از رود آمو تا رود سند)	
ظفرنامه تیموری (۱۴۲۵)	نام‌های نخستین قبایل افغان در «کوههای سلیمان» و ۴۰۰ خانه اوزبک، ۳۰۰ سرباز و ۳ اغلان جوجی
بابرنامه (۱۵۳۰)	واژه **افغانی** (لیار)، گسترش افغان‌ها به نواحی قندهار، پشاور و سوات و نام‌های قبایل امروزی
خیرالبیان بایزید روشان (۱۵۷۷)	نخستین اثر به زبان افغانی
مخزن الاسلام درویزه (۱۶۰۵)	واژه‌های **پشتون/پشتو** (افغان/افغانی)
دیوان خوشحال خان ختک (۱۶۸۰)	گسترش مفاهیم افغان/پشتون و افغانی/پشتو

مخزن افغانی نعمت الله (۱۶۱۱)	تاریخ‌سازی افغان‌ها (منشای یهودی: شاهان/پیامبران)
جهان نما کاتب چلبی (۱۶۵۲) نقشه‌های اروپایی (۱۶۵۲)	نقشه: اغوانستان/جبال اغوانیان (کوههای سلیمان) اغوان/اغوانستان (کوههای سلیمان)
غلزی‌ها (۱۷۲۲) ابدالی‌ها (۱۷۴۷)	سقوط صفوی‌ها (شهرت نام افغان‌ها در اروپا) امپراتوری افغان‌ها (شهرت نام افغان‌ها در اروپا)
تاریخ احمد شاهی ۱۷۷۳ تاریخ حسین شاهی ۱۷۹۸	واژه افغانستان ندارد و هیچ شاه/امیری خود را شاه افغانستان نگفته است

سال‌های ۱۸۰۰ – ۱۹۰۰	**پیشروی انگلیس، بازی بزرگ: انگلیس/روسیه**

سفرنامه فاستر (۱۷۹۸)	قلمرو زندگی افغان‌ها (پشاور، کابل، قندهار)
معاهده الفنستون (۱۸۰۹)	شاه کابل (**افغانستان دومی**: کابل، قندهار و پشاور)
معاهدات (۳۹/۱۸۳۸) دوست محمد (۵۷/۱۸۵۵) معاهده انگلیس/پارس (۱۸۵۷) مقالات مارکس/انگلز (۱۸۵۷) سفرنامه/تاریخ فیریر (۵۸/۱۸۵۶)	شاه شجاع (افغانستان) و کامران شاه هرات والی/حاکم کابل شناسایی استقلال هرات و افغانستان (کابل و قندهار) افغانستان (کابل، قندهار و پشاور) هرات شامل افغانستان است!
نقشه‌های ۱۸۰۰ – ۱۸۶۰	**کابل بزرگ** (افغانستان در جنوب آن: کابل و قندهار)
سقوط هرات (۱۸۶۳)	ایجاد **افغانستان سومی** (کابل، قندهار و هرات)
مکاتبات با شیرعلی (۷۹/۱۸۶۳) معاهده با یعقوب خان (۱۸۷۹) با امیرعبدالرحمن (۱۸۹۳) با امیرحبیب الله (۱۹۰۵)	والی/حاکم کابل امیر افغانستان و متعلقات آن ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ ~ شاه افغانستان و متعلقات آن

سراج الاخبار محمود طرزی (۱۹۱۳)	ورود اندیشه پان-افغانیزم (زبان افغانی و قوم افغان)
سراج التواریخ کاتب هزاره (۱۹۱۳)	شاه افغانستان و ترکستان متعلقه آن
معاهده با امان الله (۱۹۱۹)	**افغانستان کنونی** (استقلال، تاریخ/تاریخچه افغانستان)
ظاهرشاه (۱۹۳۵) تا کنون	دولت-ملت(پشتو/پشتون/افغان)سازی، تاریخ/اسطوره‌سازی

حدود العالم، ۹۸۲، ص ۲۱۰ - ۲۱۱

سخن اندر ناحیت هندستان و شهرهای وی

٤٧ ـ گردیز ـ شهری است برحد میان غزنین و هندوستان برسر تلی نهاده و مر او را حصاری محکم است و سه باره دارد و مردمان او خوارج اند.

٤٨ ـ سول ـ دهیست بر کوه با نعمت و اندر او افغانانند. چون از آنجا بروی تا بحسینان راه اندر میان دو کوهیست ، واندرین راه هفتاد و دو آب بباید گذشتن ، و راهیست بامخاطره و بیم .

٤٩ ـ حسینان ـ شهریست گرمسیر بر صحرا نهاده .

٥٠ ـ بنیهار [۱] ـ جاییست پادشای او مسلمانی نماید و زن بسیار دارد ، از مسلمانان و از افغانان و از هندوان بیش از سي ، و دیگر مردم بت پرستند و اندروی سه بت است بزرگ .

ALBERUNI'S INDIA هند البیرونی، ۱۰۳۰ (ج ۱ ص ۱۹۹-۲۰۸)

در کوههای مرز غربی هند تا دورترین مرزهای نژاد هندو، قبایل هندو یا مردم نزدیک به آن‌ها – نژادهای وحشی سرکش – زندگی دارند.
در کوههای مرز غربی هند، تا نزدیکی‌های وادی سند، قبایل مختلف افغان زندگی دارند.

In the mountains which form the frontier of India towards the west there are tribes of the Hindus, or of people near akin to them—rebellious savage races—which extend as far as the farthermost frontiers of the Hindu race.

In the western frontier mountains of India there live various tribes of the Afghans, and extend up to the neighbourhood of the Sindh Valley.

تاریخنامه هرات، سیف هروی، ۱۳۲۱، ص ۱۹۶ - ۲۰۳

فرمان منکوخان در ۱۲۴۸

ذکر بیست و ششم در رفتن ملک شمس‌الدّین پیش منکوخان و مراجعت او

در باره ولایات آل کرت

چون شهور سنهٔ خمس و اربعین و ستمائه[۱۲۴۸/۶۴۵] درآمد، درین سال ملک اسلام شمس الحقّ والدّین کُرَتْ به ترکستان رفت. و سبب آن بود که چون طاهربهادر درگذشت پسر او **هلقتونویین** [۱] به جای او بنشست. بعد از چندگاه هلقتو و قرانویین در افغانستان برج و رنجهان [۲] را بتاختند و قُرب پانصد سر شتر براندند و دویست نفر مردم به اسیری گرفتند...

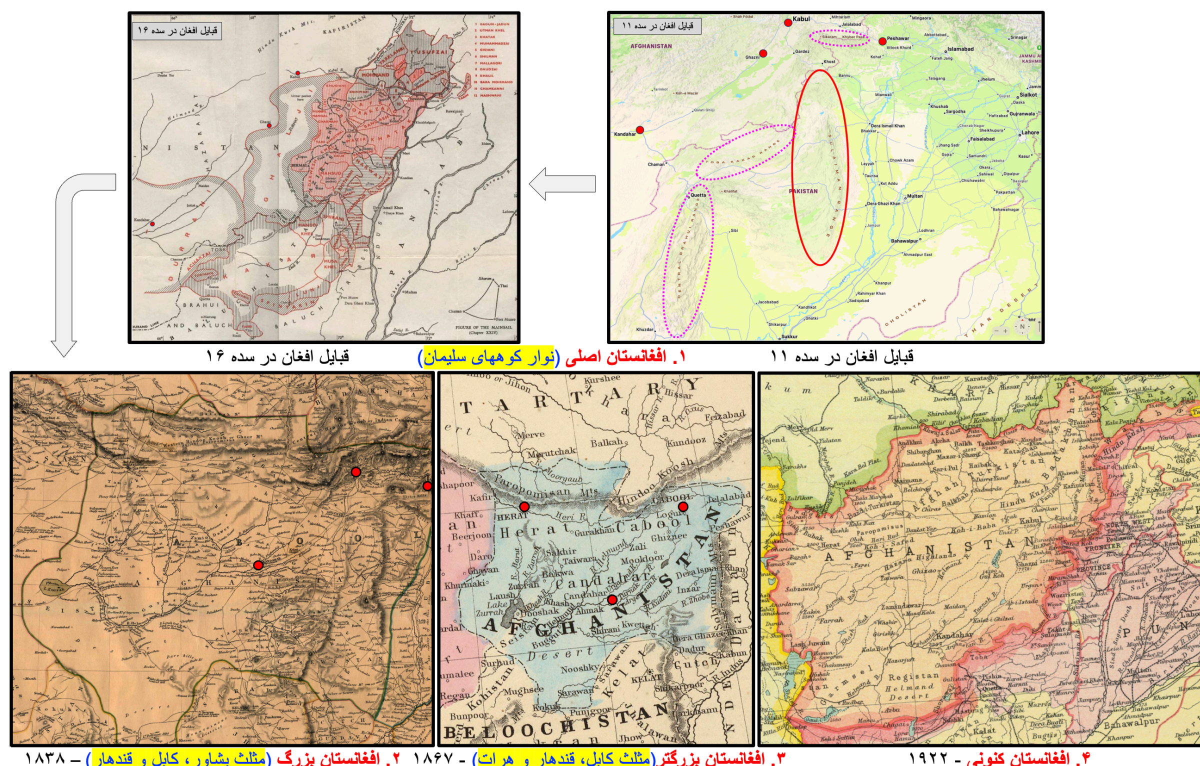
پادشاه منکوخان فرمان فرمود تا به جهت ملک یرلیغ نوشتند برین نوع که «امرا و ملوک خراسان و جماهیر ارباب ادیان و ملک و مشاهیر اصحاب عزّ و محل و صدور کافهٔ متوطفان خراسان و بُدُور عامّهٔ ایران بدانند که...

به هر شهری از ملکان معتبر رعیّت پرور و از امیران با خبر نیکو سیر ملکی و شحنه‌ای نامزد گردانیم. چون به کار عمارت شهر هرات، کُفِیَت عَنِ الْعٰاهاتِ وَ البَلِیّات، که معظم‌ترین بلاد خراسان است مَیَلانِ دل و التفات خاطر بیشتر داریم، بنابراین مقدماتْ ملک شمس‌الدّین کُرَتْ را که از دودمان بزرگواریست و از خاندان نامداری و چون آبا و اجداد خود بر طریق مستقیم حسن روش می‌کند،...

[به] ملکی شهر هرات، حمیّت عَنِ الآفات، و توابع اوجون جام و باخرز* و کوسویه و خره [۱] و فوشنج و آزاب و تولک و غور [۲] و فیروزکوه و غرجستان و مرغاب [۳] و فاریاب و مرجق [۴] تا آب آموی [۵] و اسفزار [۶] و فراه و سجستان و تکیناباد [۷] و کابل و تیراه [۸] و بستستان و افغانستان تا شطّ سندّ و حدّ [۱۷۰] هند فرستادیم و زمام حلّ و عقد و قبض و بسط این ولایات مذکوره را در کف کفایت و ید اهتمام او نهادیم تا به حُسن رأی و رؤیت و یُمن همّت و نَهْمَت این مواضع را آبادان گرداند ...

برین جمله که به ذکر پیوست بروند و عدول و انحراف نجویند و اوامر و نواهی را از لوازم [۱۷۱] و لوازب [۴] شمرند تا از دولت رضای ما محفوظ کردند و از عقوبت سخط ما محفوظ مانند».

نخستین واژه های افغان (در حدودالعالم و هند البیرونی) و افغانستان (در تاریخنامه هرات)



قبایل افغان در سده ۱۶ ‏۱. افغانستان اصلی (نوار کوههای سلیمان) قبایل افغان در سده ۱۱

۲. افغانستان بزرگ (مثلث پشاور، کابل و قندهار) – ۱۸۳۸ ۳. افغانستان بزرگتر(مثلث کابل، قندهار و هرات) - ۱۸۶۷ ۴. افغانستان کنونی - ۱۹۲۲

جغرافیای افغانستان در درازای تاریخ: ۱. افغانستان اصلی (نوار کوه‌های سلیمان)؛ ۲. افغانستان بزرگ (مثلث پشاور، کابل و قندهار) [در «کابل بزرگ»]؛ ۳. افغانستان بزرگتر (مثلث کابل، قندهار و هرات) [معادل «کابل بزرگ»] و ۴. افغانستان کنونی